

«ایران» از نیازمندی‌ها و چالش‌های پیش روی جوانان

در شرایط کرونایی گزارش می دهد

امیدافزایی و اشتغال جوانان در چپه‌های عبور از بحران کرونا

پرستور فعی خیرنگار

نوجوانی و جوانی دوران مهمی از زندگی به‌شمار می‌آیند چرا که در این دوران نیازها، ارتباطات و حتی چالش‌های پیش روی انسان رنگ و بویی تازه می‌گیرد و دریچه‌ای جدید از زندگی به روی فرد گشوده می‌شود. اهمیت این دوران در زندگی فرد و همچنین جامعه به اندازه‌ای است که متخصصان همواره در تلاشند با رصد و کالبد شکافی چالش‌های موجود و ارائه راه حل‌های مؤثر مانع بروز بحران و آسیب‌های فردی و اجتماعی شوند. حالا اما شیوع بیماری کرونا مزید بر علت شده و چالش‌های این حوزه را تشدید کرده است به طوری که به اعتقاد کارشناسان برای برون رفت از این شرایط باید تدابیری جدید اندیشیده شود.

■ به حد اقل فاکر می‌کنم

زیبا فاطمی جوانی ۲۵ ساله است. کارشناس ارشد رشته زبان انگلیسی که چند سالی است به کودکان و نوجوانان زبان خارجه آموزش می‌دهد. حدود دوسال است که فعالیت‌های او به‌صورت آنلاین جدی‌تر شده و معمولا از ۹ صبح تا ۱۰ و نیم شب کلاس دارد. او می‌گوید: ساعت که به ده و نیم می‌رسد دیگر انرژی برای باقی نمی‌ماند و از گوشی، لپ‌تاپ و تکنولوژی بیزار می‌شوم. با توجه به انرژی و زمانی که صرف می‌کند درآمد چندانی ندارد. از کلاس‌هایی که برای مدرسه برگزار می‌کند حدود ۳ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کند و برای کلاس‌های آنلاین هم اگر خیلی خوب کار کند و خسته نباشد بیشتر از ۳ میلیون تومان عایدی ندارد. او برخلاف برخی سعی نکرده با افزایش دستمزد تدریس مشکلات خود را حل کند چون معتقد است خانواده شاگردانش هم مانند او با مشکلات اقتصادی مواجه هستند.

این معلم جوان می‌گوید: طی دو سالی که به‌صورت آنلاین فعالیت می‌کنم به مشکلات جسمانی زیادی مانند گردن درد و درد سیاتیک مبتلا شده‌ام. به همین دلیل با این درآمد ناچیز که برای تأمین هزینه‌های زندگی هم کافی نیست باید هزینه‌های درمانم را هم بپردازم چون بیمه نیستم. او ادامه می‌دهد: گاهی از فرط خستگی گریه‌ام می‌گیرد چون در مقابل این همه تلاش نتیجه‌ای که باید، دریافت نمی‌کنم. نه بیمه دارم و نه امنیت شغلی. شاید اگر بیماری کرونا شیوع پیدا نمی‌کرد شرایط بهتر از این می‌شد. اما حالا گاهی از شدت خستگی و استرس و هزار مشکل دیگر، تصویر واضحی از آینده‌ام ندارم.

این معلم جوان تأکید می‌کند: تنها انتظاری که من دارم این است که آرامش داشته باشم و تلاشی من بی‌نتیجه نماند. من اهل راحت طلبی نیستم اما می‌خواهم اگر به سختی کار می‌کنم بتوانم یک خانه خیلی کوچک بخرم. بی‌دغدغه و با حداقل هزینه‌ها ازادواج کتم. درحالی که من باید به یک خانه

رؤیایی فکر کنم اما شرایط در جامعه ما آنقدر محدود شده که ما با وجود تلاش بسیار به حد اقل‌ها فکر می‌کنیم و در نهایت همین حد اقل‌ها هم در حد آرزو باقی می‌مانند.

■ به مشکلات جوانان توجه شود

رویا صداقت اما کارمند یک شرکت خصوصی است. او ۳۰ بهار را پشت سر گذاشته و حالا تلاش می‌کند با نیروی جوانی آینده خود و کشورش را بسازد. او می‌گوید: من همیشه سعی کردم خودم با تلاش زندگی خودم رو بسازم و دوست ندارم به کسی متکی باشم. می‌دونم شرایط خیلی سخته اما تنها حرف من اینه اگه داریم با جون کندن کار می‌کنیم، اشکال نداره. زندگی یعنی اینکه با چالش‌ها رو به رو بشیم و حلش کنیم. ولی در نهایت بعد از تحمل این هم سختی باید به نتیجه‌ای بگیریم که دلگرم بشیم.

او درحالی که سعی می‌کند هیجانش را مخفی کرده و خود را آرام نشان دهد، می‌گوید: اگه چرخ اقتصاد بچرخه و خانواده‌ها دست از تحمل گرایب و چشم و هم چشمی بردارن خوب ما جوونا ازدواج می‌کنیم و بچه دار میشیم. کار می‌کنیم حتی بیشتر از این ولی باید دلمون به چیه چیزی گرم باشه. مسئولان، جامعه و حتی پدر و مادرها باید بیشتر جوون‌ها رو درک کنن. بیشتر به جوون‌ها بها بدن تا جوون بتونه روی پای خودش وایسه و آینده خودش و کشورش رو بسازه.

رضا ماندگار هم جوانی ۳۱ ساله است که به گفته خودش با هزار زحمت و سفارش به‌صورت پیمانکار در یک شرکت مشغول به کار شده است. او می‌گوید: وضعیت شرکت بعد از کرونا عوض شده، دوتا از همکارامون به‌خاطر کرونا فوت کردند و چند تایی هم مبتلا شدند. دیگه محیط مثل قبل شاد و شادمانه نیست. همه مجبورن از هم فاصله بگیرن. از یه طرف هم مشکلات مالی مدیرعامل بیشتر شده به همین خاطر هر روز رو با نگرانی از فسخ قرارداد می‌گذرونم. هروقت پدر و مادرم از ازدواج صحبت می‌کنن عصبی می‌شم

و از زشمند محروم کند. در چنین شرایطی می‌توان گفت نتیجه مشکلات و چالش‌های موجود، رشد بی‌رویه افسردگی، بی‌هدفی و بی‌برنامگی در بین جوانان است که عمده‌ا از برنامه‌های خارج از چارچوب همدند مانند برنامه‌هایی که در فضای مجازی و رسانه‌ای ماهوارها مدیریت می‌شوند تبعیت می‌کنند. گروهی از جوانان نیز درگیر مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و روابط ناسالم در جامعه می‌شوند که در این زمینه می‌توانیم بگویم دختران با آسیب‌های بیشتری مواجه شده‌اند.

چون من که تو مخارج خودم موندم و نمی‌دونم تا کی سرکارم، چطور می‌تونم زندگی به نفر دیگه رو تأمین کنم. او ادامه می‌دهد: تو شرایط فعلی من اگه به حقوق دومام دست نزنم و پول تو جیبی‌ام رو از بابام بگیرم تازه می‌تونم یه گوشی معمولی سامسونگ سری a بخرم. با این وضع چطور میشه زندگی کرد. بعد از کرونا هم دیگه نمی‌تونیم یه دورهمی دوستانه بگیریم. فکر می‌کنم دارم افسرده میشم. دیگه حوصله هیچی رو ندارم ترجیح می‌دم بعد از کار یه راست برم تو اتاقم و بخوابم و با هیچ کس حرف نزنم. اما مگه مامانم می‌ذاره. به دم سؤال پیچم می‌کنه گاهی می‌بینم یواشکی داره لباسام رو بو می‌کنه فکر می‌کنه معتاد شدم.

■ استرس دانشجویان به اندازه کادر درمان است

امیرحسین جلالی ندوشن، روانپزشک معتقد است: سنین ۱۵ تا ۳۰ سالگی هم‌زمان با دوره نوجوانی، آغاز و پایان جوانی در انسان است که در این دوره آدمی تلاش می‌کند برای خود هویتی مشخص دست و پا کند.

او در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: انسان پس از هویت‌یابی برای خود، به دنبال انتخاب رشته تحصیلی و شغل می‌رود و برای تشکیل خانواده و ساختن آینده اقدام می‌کند. هراندازه مرحله هویت‌یابی که در دوره نوجوانی بسیار تعیین‌کننده است، بخوبی طی شود تصمیمات مهم زندگی یعنی انتخاب شغل و رشته تحصیلی، تشکیل خانواده و سایر تصمیماتی که افراد در قالب زندگی اجتماعی می‌گیرند، هفتمندتر و دقیق‌تر خواهد بود. اما عوامل اجتماعی در این روندهای تکاملی معمول نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری دارند. به این معنا که هرچقدر بستر اجتماعی مساعدتر باشد طبعاً روند هویت‌یابی و ساخت یک شخصیت سازنده در افراد با موفقیت بیشتری طی می‌شود.

جلالی ندوشن می‌افزاید: برای آنکه انسان‌ها بتوانند به آنچه باید تبدیل شوند پیش‌ا انتظار می‌رود که فضای

اجتماعی بتواند محیطی امیدبخش و آینده‌ای معین را به افراد نوید دهد. در صورت نبود چشم‌انداز مشخص از آینده یا وجود نگرانی‌هایی که احیاناً باعث می‌شود افراد نتوانند برای دوران بعدی زندگی خود در حوزه‌های زمانی مختلف پیش‌بینی لازم را داشته باشند، بی‌تردید روند تکاملی بدرستی طی نخواهد شد و این افراد دچار مشکلات و مسائل مختلفی می‌شوند.

این روانپزشک به شیوع بیماری کرونا و تأثیر آن اشاره می‌کند و می‌گوید: دورهمی دوستانه بگیریم. فکر می‌کنم دارم افسرده میشم. دیگه حوصله هیچی رو ندارم ترجیح می‌دم بعد از کار یه راست برم تو اتاقم و بخوابم و با هیچ کس حرف نزنم. اما مگه مامانم می‌ذاره. به دم سؤال پیچم می‌کنه گاهی می‌بینم یواشکی داره لباسام رو بو می‌کنه فکر می‌کنه معتاد شدم.

او با تأکید بر تأثیر مخرب استرس مزمن بر جسم و روان انسان، می‌گوید: نتایج پژوهشی که در موج اول کووید۱۹ انجام دادیم نشان داد، دانشجویان یکی از گروه‌هایی بودند که بالاترین میزان استرس را تجربه می‌کردند. یعنی کسانی که اتفاقاً در ابتدای کووید۱۹ به دلیل تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها با حضوری بیشتر در منزل، کمتر در معرض خطر قرار داشتند، بیشترین سطح استرس را تجربه کردند. عمده‌ترین دلیل از نظر آنها نبود چشم‌انداز و از بین رفتن تصویر مشخص و معین از آینده بود که در حقیقت باعث افزایش استرس می‌شد. نکته مهم این است که این گروه در زمره افرادی بودند که بیشترین استرس را در مقایسه با افراد دیگر تحمل می‌کردند و استرس آنها معادل کادر درمان بود. این درحالی است که ناشایبی با بیماری نبود تجهیزات کافی، این استرس را درمیان کادر درمان منطقی نشان می‌داد اما این سطح استرس درک شده در

■ چهارشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۰
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۶۹۲



علی‌اصدقی / ایران

اجتماعی پایین است بخشی از عوارض آن، از جمله بی‌اعتمادی ناشی از شرایط موجود نوجوانان و جوانان جامعه را درگیر می‌کند. به همین دلیل معتقدم رئیس‌جمهوری بعدی چالش‌های زیادی برای پاسخ‌گویی به این مطالبات خواهد داشت. چالش‌هایی که اگر برای رفع آنها اقدام اساسی نشود این جمعیت جوان به جای اینکه در چرخه توسعه کشور ایفای نقش کند جامعه را با مشکلات بسیاری مواجه خواهد کرد. البته تأکید می‌کنم، نباید به این قشر از جامعه نگاه ابزاری داشت، جوانان نسل حاضر بسیار دانا هستند و فضا را رصد می‌کنند.

این مددکار اجتماعی تبعات منفی کرونا برای این گروه از جامعه را چنین عنوان می‌کند: با شیوع کرونا این قشر از جامعه مجبور شدند برای آموزش به فضای مجازی کوچ کنند. این کوچ به‌دلیل عدم آمادگی لازم، تبعات بسیاری به‌دنبال خواهد داشت. افسردگی، کاهش روابط اجتماعی، علاقه‌مندی به تنهایی و تنها بودن، بی‌تفاوتی نسبت به آنچه در جامعه و حتی در میان نزدیکان می‌گذرد و همچنین وابستگی بیش از حد به فضای مجازی به بهانه تحصیل از تبعات منفی این پدیده است. حضور بیش از حد در فضای مجازی حتی اگر نوجوانان و جوانان را به آسیب‌های فضای مجازی دچار نکند بی‌شک سلامت روان آنها را به خطر خواهد انداخت. به طوری که ممکن است پس از مدتی با افزایش جرایم آسیب‌های اجتماعی یا اعتراضات اجتماعی مواجه شویم.

موسوی چلک در پایان تأکید می‌کند: رئیس‌جمهوری جدید دولت باید چالش‌های این گروه را به رسمیت بشناسد البته به رسمیت شناختن به منزله منفعل بودن نیست. طبیعتاً تصمیماتی که در عرصه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گرفته می‌شود می‌تواند امیدواری را در این قشر افزایش دهد یا برعکس. بنابراین دولت و همه قوا باید تلاش کنند که این حوزه ترمیم‌شده باشد به یاد داشته باشیم رفع چالش‌های این حوزه در کوتاه مدت و به‌صورت ضربتی امکان‌پذیر نیست.

است که در شرایط فعلی جوانان نمی‌توانند با آن حتی هزینه الزامات زندگی را پرداخت کنند. از این‌رو امید در آنها مختل می‌شود.

از سوی دیگر امروزه سبک زندگی تغییر کرده و این تغییر سبک زندگی منفی بر فرد و جامعه خواهد داشت. راه‌حل رفع این مشکلات اجتماعی است یعنی بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش تنش‌های اجتماعی و سیاسی و همچنین ایجاد وضعیتی که در آن شرایط کشور قابل پیش‌بینی باشد. در چنین شرایطی افراد مطمئن هستند نوسان اقتصادی و اجتماعی مداوم نخواهد بود و دست‌کم در یک بازه زمانی مشخص می‌توانند عصر حاضر بشت کمرنگ شده است.

■ آسیب‌های اجتماعی در کمین جوانان

سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نیز به اشتغال ایمن و پایدار، امید به آینده و ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این قشر از جامعه اشاره می‌کند. او در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: ما‌رها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر با وجود افزایش جمعیت در سن ازدواج، آمار ازدواج دانه در حال کاهش است. همچنین با افزایش میزان تأخیر در سن ازدواج مواجه هستیم. این موارد به بروز معضلات بسیار در جامعه منجر خواهد شد. از سوی دیگر مشکلات تهیه مسکن و مخارج زندگی همه دغدغه‌هایی است که جوانان همواره نگران آن هستند و چشم‌انداز روشن مبتنی بر برنامه برای رفع این مشکلات وجود ندارد.

موسوی چلک اضافه می‌کند: موضوع آسیب‌های اجتماعی چالش مهم دیگر این قشر از جامعه به شمار می‌آید. مواد صنعتی و روانگردان و همچنین فضای مجازی همگی تهدیدهای جدی برای این گروه از جامعه به‌شمار می‌آیند. دغدغه دیگر چالش مهاجرت است که در فضاء اخیر، تبلیغات گسترده‌ای در زمینه دعوت به مهاجرت در فضای مجازی یا حتی از طریق ارسال پیامک مشاهده می‌شود. او در ادامه به سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند و می‌گوید: هنگامی که سرمایه

■ جوانان در مخمصه عدم تعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

اردشیر گراوند جامعه‌شناس، بر این باور است که مهم‌ترین چالش پیش روی جوانان امروزی اشتغال است. امید به آینده موضوع دیگری است که در جوانان عصر حاضر بشت کمرنگ شده است. او در این باره به «ایران» می‌گوید: عدم اشتغال و کم‌رنگ بودن امید به آینده به بروز اختلال در امر ازدواج منجر می‌شود. ترکیب این چالش‌ها نارضایتی فرهنگی و اجتماعی جوانان را به همراه دارد. هنگامی که جوان شغل ندارد و امید به آینده در او تضعیف شده، اساساً ازدواج برایش معنایی ندارد. در چنین وضعیتی او نمی‌داند از چه الگوی اجتماعی، فرهنگی تبعیت کند که به خواسته خود برسد. بنابراین او خود را از امور ماورایی و ایده آلی مانند خیال‌بافی، آرزو، ابتکار و اموری از این دست هم محروم می‌کند. به همین دلیل می‌توان گفت جوانان کشور ما در مخمصه عدم تعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرفتار شده‌اند که راه خروج از آن بسیار سخت است.

این جامعه‌شناس اظهار می‌کند: عموم جوانان ما تحصیل‌کرده هستند و برخی از شاخص‌های واقعی انضمامی را در زندگی خود می‌بینند. یکی از این شاخص‌های واقعی انضمامی درآمد

اجتماعی، فرهنگی و تربیتی برای جامعه تعریف کنیم. جامعه امروز ما به نوعی در مظلومیت و مهجوریت برنامه‌ریزی تربیتی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و نیازمند مدیریت جدی است. از این‌رو معتقدم این حاکمیت است که می‌تواند با برنامه‌ریزی و تدبیر، این مشکلات را تا حدودی حل کند.

به یاد داشته باشیم دیگر نمی‌توانیم منتظر بمانیم تا دعوای دخترانمان در خیابان‌ها رخ دهد، فیلم آن دست‌به‌دست بچرخد بعد برای برخورد مناسب اقدام کنیم، البته در مورد اتفاق اخیر در اصفهان ما با یک داستان مدبر در این شهر روبه‌رو شدیم که با یک حکم تربیتی و آموزشی با این خاتمه برخورد کرد. آیا همیشه این چنین خواهد بود؟ پیشنهادم این است که مجموعه قانونگذاری و اجرای قوانین کشور برای صیانت از نسل جوان که مهارت‌های لازم را ندارند اقدام کند. جوانان غیرماهر ما سرمایه‌های ارزشمند و فعالی هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند و توانمند شوند.

خود درمی‌آوردند. اما متأسفانه ما معمولاً بعد از بروز هر حادثه به فکر چاره اندیشی می‌افتیم که متأسفانه این شیوه در شرایط فعلی تخریب‌کننده خواهد بود و ما را با یک همه‌گیری اجتماعی در بحث معضلات مواجه می‌کند. البته این به معنای پایان فرصت‌ها نیست. ما هنوز فرصت داریم تا با برنامه‌ریزی صحیح، این سرمایه‌های اجتماعی و فعال جامعه را دربراییم. برای دستیابی به این هدف بایستی پیش از آنکه با بحران‌های جدی‌تر در روابط اجتماعی جوانان مواجه شویم به‌سمت ترمیم و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی گام برداریم. همچنین ایجاد تغییرات اساسی و مؤثر در نظام تعلیم و تربیت و فرایند برنامه‌ریزی مشاوره‌ای برای نوجوانان و جوانان را با استفاده از تیم‌های تخصصی و بومی در هر منطقه و شهر موضوع که مهمی است باید در دستور کار قرار دهیم. بهتر است بدانیم که صرف پرداخت بارانه کرونا تکاف مشکلات این جامعه را نمی‌دهد و ما باید پارانه

تربیت هم اتفاقاتی افتاده است که خیلی خوشایند نبوده‌اند، زیرا دانشجویان معمولاً فضای دانشگاه را به‌عنوان یک فضای تخلیه هیجانات و فضای ارتباطی در نظر می‌گرفتند که متأسفانه محدود شدن حضور در این فضا هم بر مشکلات موجود جوانان افزود. البته حال نباید فراموش کرد که جامعه با حجمی وسیع از سوگ و ناراحتی روبه‌رو شده است. متأسفانه قریب ۹۰ هزار ایرانی طرف یک سال و چند ماه از دست رفته‌اند و مصایب و مشکلات ناشی از این اتفاقات ناگوار به نوعی همه‌افشار جامعه در حالی است که هیچ مدیریت مؤثری در حوزه برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی برای جوانان و پرکردن خلأهای روحی و روانی آنها صورت نگرفته است.

من معتقدم از همان زمان شروع موج اول کرونا بایستی برای حفظ سلامت روان تک افراد جامعه و بخصوص قشر جوان تیم‌های تخصصی تشکیل می‌شد. این تیم‌ها باید مشکلات پسا کرونا را قبل از مواجهه با آن رصد کرده و تحت کنترل

آنها به اضطراب‌های خسارت‌بار در میان جوانان منجر شده است. متأسفانه حقیقت این است که جامعه، در دوران پساکرونا بدرستی مدیریت نمی‌شود و طبیعی است که در این شرایط ما با عوارض روحی و روانی کرونا بر جامعه بخصوص جوانان کشور مواجه شویم. کم‌اینکه در حال حاضر که در پساکرونا موج‌های ابتدایی بیماری هستیم مشاهده می‌کنیم که رفتارهای پرخطرگرانه به‌صورت افسردگی و خودکشی نمایان شده است.

موضوع مهم دیگر این است که در طول سال‌های گذشته و قبل از شیوع

پس از شیوع بیماری کرونا همه این محدودیت‌ها و مشکلات تشدید شد و متأسفانه مشکلات معیشتی خانواده هم به این مشکلات اضافه شد. در واقع تبعیض‌ها، روش‌های نادرست فرزند پروری و به‌طور کلی همه مشکلاتی که در نظام تربیتی خانواده‌ها وجود داشت با بروز کرونا و اضافه شدن مشکلات اقتصادی و معیشتی به مسائل خانواده، موانع و مشکلات پیش روی جوانان را تشدید و تقویت کرد، به‌گونه‌ای که حالا بعد از ۱۸ ماه که از شیوع کرونا در کشور می‌گذرد ما با رشد مشکلاتی مانند افسردگی، انزواطلبی، رفتارهای پرخطرگرانه و مسائلی نظیر ترک تحصیل و حتی اقدام به خودکشی در میان جوانان مواجه شده‌ایم.

قرنطینه‌بندی و اقدامات محدود کننده صورت گرفته برای کنترل بیماری کرونا فضاهای حداقلی تخلیه هیجانات در جامعه مانند پارک‌ها، سینماها و کافه‌ها را محدود کرد و به افزایش انزواطلبی و افسردگی و بعضاً تبدیل

شناسایی نیازهای جوانان در پساکرونا



کوروش محمدی رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی ایران

در سال‌های اخیر جوانان در مسیر زندگی با چالش‌های متفاوتی مواجه شده‌اند که از میان آنها می‌توان به انباشت هیجاناتی اشاره کرد که امکان پاسخگویی به آنها از سوی جامعه وجود نداشته است، از این‌رو به‌صورت پرخطرگری، خشونت، انزواطلبی و رفتارهای هنجارشکنانه بروز می‌کنند. نبود فرصت‌های برابر برای جوانان به‌عنوان شهروندان جامعه موضوع دیگری است که باعث می‌شود آنها نتوانند در حوزه تحصیل یا اشتغال، خواسته‌ها و توانایی‌های خود را مدیریت کنند. بدیهی است در چنین شرایطی دچار چالش‌های متعددی خواهند شد.

موضوع مهم دیگر در این باره که اشاره به آن ضروری به نظر می‌رسد و در شرایط کنونی جامعه، جوانان بسیاری با آن دست به گریبانند بحث تشکیل خانواده